

پیش بینی اضطراب جدایی کودکان بر اساس سبک های دلبستگی و حساسیت اضطرابی والدین

بی بی طاهره موسوی کاخکی

دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه عالی زند شیراز

mbibitahere@gmail.com

۰۹۱۵۵۰۸۱۹۳۰

چکیده

پژوهش حاضر با هدف اضطراب جدایی کودکان بر اساس سبک های دلبستگی و حساسیت اضطرابی والدین انجام شد. طرح پژوهش از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش کلیه دانش آموزان پسر مقطع ابتدایی شهر مشهد بودند که در سال تحصیلی ۱۴۰۲ در مدارس ناحیه ۶ مشغول به تحصیل بودند. تعداد افراد نمونه بر اساس تعداد مولفه های مورد مطالعه معین شد که با توجه به اینکه تعداد مولفه ها ۷ عدد می باشد و به ازاء هر مولفه ۲۵ نفر انتخاب شدند و ۱۷۵ نفر دانش آموز دبستان به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. بدین صورت که از بین همه ناحیه ها ، ناحیه ۶ به صورت تصادفی انتخاب شد و از ناحیه ۶ تعداد ۴ مدرسه انتخاب و سپس آزمون ها انجام شد. ابزار اندازه گیری پژوهش شامل پرسشنامه سبک های دلبستگی هازن و شیور (۱۹۸۷) ، حساسیت اضطرابی والدین (ASI) و پرسشنامه اضطراب جدایی بیمهر (۱۹۹۹) بود. تجزیه و تحلیل داده ها به کمک آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون به روش همزمان انجام شد. نتایج نشان داد حساسیت اضطرابی والدین در کل ۲۵ درصد از واریانس نمرات اضطراب جدایی کودکان را تبیین می کند. همچنین بعد ترس از نگرانی بدنی به صورت مثبت و معناداری قادر به پیش بینی اضطراب جدایی کودکان می باشد و بعد اضطراب دیگران به صورت مثبت و معناداری قادر به پیش بینی اضطراب جدایی کودکان می باشد و بعد اضطراب دیگران به صورت مثبت و معناداری قادر به پیش بینی اضطراب جدایی کودکان می باشد. همچنین سبک های دلبستگی در کل ۲۷ درصد از واریانس نمرات اضطراب جدایی کودکان را تبیین می کند. بعد اجتنابی به صورت مثبت و معناداری قادر به پیش بینی اضطراب جدایی کودکان می باشد و بعد دلبستگی ایمن به صورت منفی و معناداری قادر به پیش بینی اضطراب جدایی کودکان می باشد و بعد دوسوگرا به صورت مثبت و معناداری قادر به پیش بینی اضطراب جدایی کودکان می باشد.

کلید واژگان: اضطراب جدایی ، سبک های دلبستگی ، حساسیت اضطرابی

۱- مقدمه

اضطراب از رایج ترین بیماریهای روانی قرن بیست و یکم است و موجب مراجعه افراد زیادی از جمله کودکان به متخصصان بهداشت روان می گردد (کریمی، بحرینیان و غباری بناب، ۱۴۰۰). امروزه پژوهشگران معتقدند از آنجا که مردم گمان می کنند که نمی شود کودکان از اضطراب رنج ببرند، این اختلال در کودکان معمولاً ناشناخته باقی می ماند. کودکان مبتلا به اضطراب عمومی نگرانی معینی ندارند بلکه در مورد چیزهای مختلف و بسیاری دچار نگرانی هستند. این کودکان حتی در مورد مسایل کم اهمیت هم دچار اضطراب می شوند و نگرانی آنها طیف وسیعی از اتفاقات معمول و غیر معمول روزانه را در بر می گیرد. نشانه های اضطراب

در کودکان عبارت است از: پریشانی دایم، خستگی، بیخوابی، کج خلقی و پرخاشگری و عدم تمرکز (انجمن روان پزشکی آمریکا DSM5، ۲۰۲۲). اضطراب رایج ترین اختلالات روانشناختی در کودکان است و زمینه ساز و عامل بسیاری دیگری از بیماری ها از جمله بیماری های روان تنی در این افرادی شوند. به نظر بسیاری از متخصصان، عوامل فرهنگی و به ویژه محرومیت ها و محدودیتهای اجتماعی از علل اساسی بروز اضطراب در کودکان است (روفالت، برنیر، تاینات، فورنیر و فلاح‌حالت^۱، ۲۰۱۷). اختلال های اضطرابی، یکی از رایج ترین اختلالات روانی در کودکان و نوجوانان تلقی می شود. برخلاف این عقیده، بسیاری از کودکان مبتلا به اختلال های اضطرابی و آن هایی که نشانه های اضطراب را در حد خفیف تری تجربه می کنند تا دوران نوجوانی و بزرگسالی همچنان مشکلات مربوط به سازگاری خواهند داشت. در واقع اختلال های اضطرابی، سیری مزمن دارند. این اختلالات در نیمی از کودکان مبتلا، هشت سال یا بیشتر ادامه می یابند. دختران تقریباً دو برابر پسران نشانه های اضطرابی را نشان می دهند و این تفاوت تا شش سالگی وجود دارد.

بسیاری از کودکان مبتلا به اختلال های اضطرابی در یک دوره ی زمانی یا در زمان های مختلف دوره ی رشد کودکان (بر اساس DSM-V) ممکن است در اختلال اضطرابی به یک یا چند اختلال مبتلا شوند، مانند اختلال اضطراب فراگیر، اضطراب جدایی و سایر اختلالات اضطرابی (مثل مدرسه هراسی) و غیره، عوامل خانوادگی، سوابق یادگیری، تحریف در پردازش شناختی و زمینه زیستی، همگی در شروع اختلالات اضطرابی دوران کودکی سهیم هستند. تحقیقات نشان می دهد که بهبود عملکرد اعضای خانواده و افزایش تعاملات مثبت والدین و کودک، می تواند در پیشگیری یا رشد اختلال اضطرابی در کودکان مفید باشد. تازیک (۱۴۰۱) در پژوهشی نشان داد که درمان تعامل والد-کودک بر کاهش نشانه های مدرسه هراسی در کودکان تاثیر معناداری دارد. بک مان^۲ (۲۰۱۸) در پژوهشی نشان دادند که عواطف منفی والدین اثرات منفی و خطرناکی بر کودکان دارد. این اثرات شامل مشکلات رفتاری نظیر پرخاشگری، هراس، اعتماد به نفس پایین، افسردگی، افزایش تحریک پذیری و وسواس می باشد. یافته های پژوهشی نشان می دهد که عواطف کنترل نشده در والدین نسبت به فرزندانشان با تعارضات خانوادگی ارتباط دارد. مطالعات دیگر حاکی از آن است که والدین، در گرایش کودکان به اجتناب سهم دارند و این کار را از طریق تشویق آنها به حل مسایل به شیوه ای اجتنابی انجام می دهند، یعنی کودک مضطرب ممکن است قدری میل به اجتناب داشته باشد، اما پس از بحث راجع به حل مسائل با والدین، اجتناب وی افزایش می یابد. به نظر می رسد تبادلات والد-کودک در توسعه مشکلات اضطرابی کودک سهیم باشد (گمپل و هالند^۳، ترجمه جلالی، ۱۳۹۸).

اگر چه شواهد موجود نشان می دهد که عوامل ژنتیکی و محیطی در بروز اختلال اضطراب جدایی دخالت دارند، با این حال، نظریه های معاصر بر نقش فرایندهای شناختی و هیجانی همچون حساسیت اضطرابی والدین در پدیدایی و تداوم این اختلال تأکید دارند (آلداو، نولن-حکسما و شوپزر^۴، ۲۰۱۰). مدل های نظری اخیر تأکید بیشتری بر اهمیت نحوه برخورد افراد با تجربه های اضطراب آور دارند یکی از مؤلفه های روان شناختی دخیل در ایجاد اضطراب اجتماعی، حساسیت اضطرابی است. حساسیت اضطرابی یک سازه تفاوت های فردی است که در آن فرد از نشانه های بدنی کهها انگیخنگی اضطرابی (افزایش ضربان قلب، تنگی نفس، سرگیجه مرتبط است، می ترسد و اصولاً از این عقیده ناشی می شود که این نشانه ها به پیامدهای بالقوه آسیب زای اجتماعی منجر می شود (دیکان بریت، جونادن، کارول و دیوید^۵، ۲۰۰۳). به عبارت دیگر گرایش به ترس، تفسیر فاجعه آمیز نشانه های اضطراب است و از عوامل سبب شناختی نگهدارنده و تداوم بخش اکثر اختلالات روانی به ویژه طبقه اختلالات اضطرابی است و در جهت افزایش

¹ Ruffault, Bernier, Thiénot, Fournier, Flahault

² -Beckman

³ -Gample & Halland

⁴ - Aldao, Nolen-Hoeksema, Schweizer

⁵ -Deacan Brett, Jonathan, Carol & David

پاسخ‌های اضطرابی و ایجاد ترس از محرک‌های برانگیزاننده عمل می‌کند. حساسیت اضطرابی به سوگیری‌های ارزیابی و پردازش اطلاعات مربوط به محرک‌های فراخوان اضطراب منجر می‌شود که این خود زمینه را برای ابتلای فرد به اختلالات روانی از جمله اضطراب اجتماعی فراهم می‌سازد (مک کابی^۱، ۱۹۹۹).

حساسیت اضطرابی یک متغیر گزایشی با ثبات است که نشان‌دهنده‌ی میل به تفسیر پیامدهای جسمانی، روان‌شناختی و اجتماعی تجارب اضطرابی به عنوان اموری آزارنده و خطرناک است. حساسیت اضطرابی به معنای ترس از تجربه‌ی اضطراب یا احساسات روان‌شناختی و پیامدهای اجتماعی، فیزیولوژیک و شناختی مرتبط با این هیجانات می‌باشد. افراد با حساسیت اضطرابی بالا از انگیختگی اضطرابی می‌ترسند، زیرا آنها معتقدند که این علایم با پیامدهای شناختی، فیزیکی و اجتماعی منفی همراه خواهد بود. به عنوان مثال افراد با سطح اضطرابی بالا ممکن است شروع احساسات بدنی مانند تپش قلب را به عنوان شاخصی از حمله‌ی قلبی تلقی کنند، در حالی که افراد با سطح حساسیت اضطرابی پایین این احساسات را تنها به عنوان ناراحتی تلقی می‌کنند. حساسیت اضطرابی از سه بعد نگرانی‌های شناختی، بدنی و اجتماعی تشکیل شده است. نگرانی‌شناختی اشاره به ترس از عدم کنترل شناختی دارد، نگرانی بدنی بیانگر ترس از احساسات بدنی همراه اضطراب می‌باشد و نهایتاً بعد نگرانی اجتماعی نشانگر ترس از واکنش‌های اضطراب قابل مشاهده (که منجر به طرد اجتماعی می‌شود) می‌باشد. مطالعات نشان می‌دهد که حساسیت اضطرابی نقش مهمی در رشد و تداوم اختلالات اضطرابی همچون اختلال اضطراب اجتماعی دارد (ناراگون گینی^۲ و همکاران، ۲۰۱۴).

سطح معینی از اضطراب نه تنها برای بقا بلکه برای انجام امور زندگی ضروری می‌باشد ولی در صورت فراتر رفتن از سطح معینی، این اضطراب نقش انطباقی خود را از دست داده و منجر به رفتارهای غیرانطباقی می‌شود که در این صورت می‌توان بیمار گونه تلقی نمود. به طور کلی می‌توان گفت که هر دو متغیر حساسیت اضطرابی و انعطاف‌پذیری شناختی والدین از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر اختلال اضطراب اجتماعی کودکان می‌باشند. در همین راستا گل‌محمدی و همکاران (۱۳۹۵) در بررسی نقش باورهای فراشناختی و حساسیت اضطرابی در پیش‌بینی اضطراب اجتماعی ۲۶۱ دانشجوی دانشگاه شاهد که به صورت نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند، نشان دادند که تعدادی از مؤلفه‌های باورهای فراشناختی رابطه معنی‌داری با اضطراب اجتماعی دارند. همچنین مؤلفه‌های حساسیت اضطرابی نیز قادر به پیش‌بینی اضطراب اجتماعی می‌باشند. گل‌محمدی و همکاران (۱۳۹۵) در بررسی همزمان نقش حساسیت اضطرابی و تنظیم هیجانی در پیش‌بینی اختلال اضطراب اجتماعی ۲۶۱ دانشجوی دانشگاه شاهد تهران که به صورت نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند، نشان دادند که تمامی مؤلفه‌های حساسیت اضطرابی و تنظیم هیجانی قادر به پیش‌بینی اضطراب اجتماعی هستند. زینالی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان ارائه یک مدل ساختاری بر اساس روابط ساختاری شخصیت کودک، باورهای اضطرابی مادران، رابطه مادر-کودک با واسطه گری حساسیت اضطراب، سوگیری شناخت و رفتارهای مقابله‌ای با اضطراب نشان داد که حساسیت اضطراب، سوگیری شناخت و رفتارهای مقابله‌ای در رابطه با روابط ساختاری شخصیت کودک، باورهای اضطرابی مادران، رابطه مادر-کودک نقش واسطه‌ای دارد. عطادخت، دانشور، فتحی گیلارلو، سلیمانی (۱۳۹۴) در پژوهشی تحت عنوان پروفایل آشفتگی روانشناختی مادران و افسردگی، اضطراب و استرس نوجوانان شهر اردبیل نشان دادند که آشفتگی مادران با افسردگی، اضطراب و استرس نوجوانان رابطه معناداری دارد.

- هدایتی و ابراهیمی مقدم (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان رابطه اضطراب مادران با افسردگی و اضطراب دانش آموزان دبیرستانی دختر نشان دادند که ن اضطراب مادران و افسردگی دختران دبیرستانی رابطه معنادار مستقیم وجود دارد. همچنین بین اضطراب مادران و اضطراب دختران دبیرستانی رابطه معنادار مستقیم وجود دارد. به علاوه بین افسردگی و اضطراب دختران دبیرستانی رابطه معنادار مستقیم وجود دارد.

¹ -McCabe

² -Naragon-Gainey

عوامل اجتماعی مهمی در بروز اضطراب جدایی کودکان نقش دارند که یکی از این عوامل، پاسخ دهی والد به نیازهای کودک در دوران کودکی است و به تشکیل سبک های دلبستگی^۱ در کودک منجر می شود (بالبی^۲، ۱۹۸۴). در روانشناسی تحولی پیوند عاطفی بین مادر و نوزاد را دلبستگی می نامند. دلبستگی از زمان نوزادی شروع شده و در طول زمان دارای ثبات می باشد (بالبی، ۱۳۸۴). بسیاری از روانشناسان رشد را در مورد سه الگوی اساسی دلبستگی توافق دارند. الگوی اولی، دلبستگی ایمن^۳ است. این نوع دلبستگی مربوط به کودکانی است که زمانی که با محرک یا موقعیت استرس زا روبرو می شوند از مراقب خود به عنوان منبع اساسی برای تنظیم اضطراب و افسردگی استفاده می کنند. الگوی دوم دلبستگی ناایمن اجتنابی^۴ است. این نوع دلبستگی به کودکانی اشاره دارد که نمی توانند از مراقب خود به عنوان منبع آرامش برای تنظیم عواطف منفی استفاده کنند. این کودکان گرایش به اجتناب و نادیده گرفتن مراقب خود دارند. الگوی سوم، دلبستگی دو سوگرا^۵ است که شامل کودکانی می شود که به هنگام روبرو شدن با شرایط اضطراب، از مراقب خود به صورت ناپایدار و دوسوگرا استفاده می کنند. اگر چه این کودکان گاهی به صورت افراطی به مراقب شان می چسبند، آنها همچنین رفتار پرخاشگرانه و عدم پذیرش را نسبت به مراقب خود نشان می دهند (بوکاتکو و دهلر^۶، ۱۹۹۵). نظر به اینکه کودک، مادر را اولین پایگاه عاطفی امن در زندگی می یابد، شخصیت مادر در تحول شخصیت کودک اهمیت اساسی دارد. دلبستگی یک واژه‌ی روان شناختی است که این پدیده روانی یکی از عوامل عمده در تحول اجتماعی و عاطفی کودک محسوب می گردد. همچنین دلبستگی کودک به مادر نتایج طولانی مدت را به دنبال دارد و شالوده‌ی روابط بعدی کودک با والدین و مناسبات عاطفی و اجتماعی او را بنا می کند (بالبی، ۱۹۸۲).

بالبی معتقد است که دلبستگی در طول زمان دارای ثبات نسبی است، به این معنی که نحوه‌ی روابط بعدی فرد را با همسالان، دوستان همجنس و غیر همجنس پیش‌بینی می کند و در رشد سالم و تأمین بهداشت روانی فرد اهمیت ویژه ای دارد (گلی‌نژاد، ۲۰۰۱). از طرف دیگر نوجوانی را دوره گذر از کودکی به بزرگسالی و رویارویی با چالش‌های این دوره تعریف کرده اند (لوهمن^۷ و جارویس^۸، ۱۹۹۷). در این دوره موجود زنده‌ی انسانی در قلمروی بینابینی مرحله‌ی کودکی و بزرگسالی قرار گرفته، در حالیکه با فشارها و انتظارات هر دو دوره دست به گریبان است (احدی و جمهری، ۱۳۸۲).

گرولینک^۹ (۱۹۹۸) بر این باور است که والدین به عنوان اولین عوامل اجتماعی کردن کودکان نقش مهمی در ارضای نیازهای روانی کودکان داشته و انگیزه و موفقیت تحصیلی دانش آموزان را تسهیل می کنند (به نقل از حکیمی نصرآبادی، ۱۳۹۱). در این پژوهش با توجه به نظریات موجود در مورد دلبستگی و حساسیت اضطرابی والدین به بررسی سبک های دلبستگی و حساسیت اضطرابی والدین با اضطراب جدایی جهت دست یابی به رابطه احتمالی بین آنها مبادرت کرده تا پاسخی برای سوال کلی به دست آورده شود.

۲- روش شناسی

پژوهش حاضر از هدف کاربردی و لحاظ روش جز تحقیقات توصیفی از نوع پیش بینی می‌باشد که به پیش بینی اضطراب جدایی کودکان بر اساس سبک های دلبستگی و حساسیت اضطرابی والدین می پردازد. جامعه آماری پژوهش کلیه دانش آموزان پسر مقطع ابتدایی شهر مشهد می باشد که در سال تحصیلی ۱۴۰۲ در مدارس ناحیه ۶ شهر مشهد مشغول به تحصیل بودند.

- 1 . Attachment Styles
- 2 . Bowlby
- 3 . Securely attachment
- 4 . Avoidantly attachment
- 5 . Ambivalently attachment
- 6 . Bukatko & Daehler
- 7- Lohman
- 6- Jarvis
- 7-Grolink

تعداد افراد نمونه بر اساس تعداد مولفه های مورد مطالعه معین شد که با توجه به اینکه تعداد مولفه ها ۷ عدد می باشد و به ازاء هر مولفه ۲۵ نفر انتخاب می شوند ۱۷۵ نفر دانش آموز دبستان به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. بدین صورت که از بین همه ناحیه ها، ناحیه ۶ به صورت تصادفی انتخاب شد و از ناحیه ۶ تعداد ۴ مدرسه انتخاب و سپس آزمون ها انجام شد. گردآوری اطلاعات در دو سطح صورت گرفت: سطح کتابخانه ای و سطح میدانی. ابتدا و در سطح کتابخانه ای به مطالعه منابع مورد نظر پرداخته خواهد شد (تدوین بیان مسئله، اهمیت و ضرورت پژوهش و بیان تحقیقات پیشین چه در داخل و چه در خارج از کشور) و سپس در سطح میدانی با پرسشنامه های مربوط به متغیرهای پژوهش اقدام به جمع آوری کمی متغیرها می شود. در آخر پس از جمع آوری پرسشنامه ها و انجام آزمون های آماری بر روی اطلاعات گردآوری شده نتایج پژوهش بیان شد. در این پژوهش کلیه حقوق آزمودنی ها شامل داوطلبانه بودن شرکت در پژوهش، محرمانه بودن اطلاعات و حفظ حریم خصوصی رعایت شد. افراد با اراده شخصی و بدون هیچ گونه اجبار از طرف پژوهشگر، در این آزمون شرکت کردند. در ابتدا برای آنها توضیح داده شد که اطلاعات شخصی آنها کاملاً محرمانه باقی می ماند و همچنین اطمینان خاطر داده شد که نتایج آزمون مربوط به آنها محفوظ باقی ماند. پرسشنامه ها بعد از جمع آوری با نرم افزار SPSS 21 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. تجزیه و تحلیل داده ها در دو سطح توصیفی و استنباطی صورت پذیرفت بدینگونه که در سطح توصیفی به محاسبه شاخص های توصیفی نظیر میانگین و انحراف معیار و در سطح استنباطی جهت بررسی فرضیه ها از آزمون همبستگی پیرسون و آزمون رگرسیون چندگانه استفاده شد.

۱-۲- ابزارهای پژوهش

۱-۱-۲- آزمون اختلالات مرتبط با اضطراب کودکان^۱

این آزمون یک ابزار خود گزارشی است که توسط بیماهر^۲ (۱۹۹۹) به منظور ارزیابی علائم اختلالات اضطرابی بر طبق معیارهای DSM-IV در کودکان ۷ تا ۱۸ ساله ساخته شده و شامل دو نسخه والدین و کودکان است و در بردارنده یک مقیاس اضطراب کلی و پنج زیر مقیاس (اضطراب تعمیم یافته، اضطراب اجتماعی، مدرسه هراسی، اختلال اضطراب جدایی و اختلال هراس جسمانی شکل) است. این پرسشنامه شامل ۴۱ ماده است که ۱۳ ماده آن مربوط به زیر مقیاس هراس جسمانی شکل، ۹ ماده مربوط به اضطراب تعمیم یافته، ۸ ماده مربوط به زیر مقیاس اضطراب جدایی، ۷ ماده مربوط به زیر مقیاس اضطراب اجتماعی و ۴ ماده مربوط به زیر مقیاس مدرسه هراسی است. شایان ذکر است که این پرسشنامه بر مبنای نمونه بالینی طراحی شده است در این مقیاس از کودکان خواسته می شود که در یک مقیاس بر حسب شدت تجربه شان نمره ای بین ۱ تا ۵ (از کم به زیاد) بدهند در صورتیکه مجموع نمرات مساوی یا بیشتر از ۲۵ باشد می تواند وقوع و تکرار اختلال اضطرابی را نشان می دهد. نمرات بالاتر از ۳۰ باید مورد توجه بیشتری قرار گیرد. در پایان داده های خام بدست آمده در نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد.

۲-۱-۲- پرسشنامه حساسیت اضطرابی

پرسشنامه حساسیت اضطرابی (ASI^۱) یک پرسشنامه خودگزارش دهی است که توسط ریس و پترسون (۱۹۸۵) ساخته شده است. این پرسشنامه ۱۶ گویه دارد و بر اساس مقیاس پنج درجه ای لیکرتی (خیلی کم=۰ تا خیلی زیاد=۴) است. هر گویه این عقیده را منعکس می کند که احساسات اضطرابی به صورت ناخوشایند تجربه می شوند و توان منتهی شدن به پیامد آسیبزا را دارند. درجه ای تجربه ای ترس از نشانه های اضطرابی با نمرات بالاتر مشخص می شود. دامنه ای نمرات بین ۰ تا ۶۴ است. ساختار این

^۱-SCARED

^۲-Bimaher

پرسشنامه از سه عامل؛ ترس از نگرانی‌های بدنی (۸ گویه)، ترس از نداشتن کنترل شناختی (۴ گویه) و ترس از مشاهده شدن اضطراب توسط دیگران (۴ گویه) تشکیل شده است. روایی و پایایی پرسشنامه حساسیت اضطرابی:

بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس، ثبات درونی آن را (آلفای بین ۰/۸۰ تا ۰/۹۰) نشان داده است. اعتبار بازآزمایی بعد از ۲ هفته ۰/۷۵ و به مدت سه سال ۰/۷۱ نشان داده است که حساسیت اضطرابی یک سازه‌ی شخصیتی پایدار است (ریس^۲، پترسون^۳، گارسکی^۴ و مک‌نالی^۵، ۱۹۸۶). اعتبار آن در نمونه‌ی ایرانی بر اساس سه روش، همسانی درونی، بازآزمایی و تنصیفی محاسبه شد که برای کل مقیاس به ترتیب ضرایب اعتبار ۰/۹۳، ۰/۹۵ و ۰/۹۷ به دست آمد. روایی بر اساس سه روش روایی همزمان، همبستگی خرده مقیاس‌ها با مقیاس کل و با یکدیگر و تحلیل عوامل محاسبه شد. روایی همزمان از طریق اجرای همزمان با پرسشنامه‌ی «SCL-90» انجام شد که ضریب همبستگی ۰/۵۶ حاصل آن بود. ضرایب همبستگی با نمره‌ی کل در حد رضایت‌بخش و بین ۰/۷۴ تا ۰/۸۸ متغیر بود. همبستگی بین خرده مقیاس‌ها نیز بین ۰/۴۰ تا ۰/۶۸ متغیر بود (بیرامی، اکبری، قاسم‌پور و عظیمی، ۱۳۹۱). پایایی مقیاس مذکور در پژوهش مشهدی، قاسم‌پور، اکبری، ایل بیگی و حسن زاده (۱۳۹۲) با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۷ و با همین روش در پژوهش قاسمی (۱۳۹۱)، ۰/۸۹ گزارش شد. در این پژوهش نیز پایایی پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۹۰ به دست آمد.

۲-۱-۳- پرسش نامه سبک های دلبستگی

مقیاس دلبستگی بزرگسالان که با استفاده از مواد پرسش نامه دلبستگی هازن و شیور (۱۹۸۷) ساخته و در دانشجویان دانشگاه تهران هنجاریابی شده است، این آزمون ۲۱ گویه دارد و سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دو سوگرا را می‌سنجد که ۷ گویه دلبستگی ایمن، ۷ گویه دلبستگی اجتنابی و ۷ گویه دلبستگی دو سوگرا را در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از ۱ (اصلاً) تا ۵ (خیلی زیاد) اندازه گیری می‌کند. سوالات مربوط به سبک اجتنابی ۲-۴-۸-۹-۱۳-۱۵-۲۰؛ سبک ایمن ۱-۳-۷-۱۲-۱۸-۱۹-۱۴؛ و سبک دو سوگرا ۵-۶-۱۰-۱۱-۱۶-۱۷-۲۱ است.

کمینه و بیشینه نمره آزمون در خرده مقیاس های پرسش نامه به ترتیب ۵ و ۲۵ می باشد. ضریب آلفای کرونباخ (پایایی) خرده مقیاس های ایمن، اجتنابی و دو سوگرا در مورد یک نمونه دانشجویی (۱۴۸۰ نفر شامل ۸۶۰ دختر و ۶۲۰ پسر) برای کل نمونه به ترتیب برابر با ۰/۸۶، ۰/۸۴ و ۰/۸۵ (برای دانشجویان دختر به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۳، ۰/۸۴ و برای دانشجویان پسر به ترتیب ۰/۸۴، ۰/۸۵ و ۰/۸۶) گزارش شده که نشانه‌ی همسانی درونی خوب مقیاس دلبستگی بزرگسال است (قنبری هاشم آبادی و همکاران، ۱۳۹۰). در تحقیقی که توسط پاکدامن (۱۳۸۰) بر روی یک نمونه ۱۰۰ نفری (۵۰ دختر و ۵۰ پسر) انجام گرفت، پایایی بازآزمایی به ترتیب برای دلبستگی اضطرابی/دوسوگرا، اجتنابی و ایمن برابر با ۰/۷۶، ۰/۵۲ و ۰/۳۷ و میزان آلفای کرونباخ نیز برابر با ۰/۷۹ به دست آمد. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دو سوگرا به ترتیب برابر با ۰/۶۲، ۰/۶۵ و ۰/۶۳ به دست آمد.

۳- نتایج یافته ها

1 - Anxiety Sensitivity Index

2 - Reiss

3 - Peterson

4 - Gursky

5 - McNally

برای گردآوری اطلاعات کمی متغیرها در سطح میدانی با استفاده از سه پرسشنامه آزمون اختلالات مرتبط با اضطراب کودکان، پرسشنامه حساسیت اضطرابی و پرسش نامه سبک های دلبستگی اقدام به جمع آوری داده های خام شد. داده های خام با نرم افزار SPSS و با استفاده از تکنیک های آماری مناسب در دو سطح توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در سطح توصیفی به محاسبه شاخص های توصیفی نظیر میانگین، انحراف استاندارد، حداقل و حداکثر نمرات پرداخته شد و در سطح استنباطی با استفاده از آزمون تحلیل رگرسیون چندگانه به آزمون فرض و بررسی فرضیه های پژوهشگر پرداخته شد، در ادامه این فصل ابتدا مروری خواهد شد بر نتایج توصیفی پژوهش و سپس به بررسی فرضیه های پژوهش خواهیم پرداخت. در جدول شماره ۱ فراوانی و درصد متغیرهای جمعیت شناختی گروه های شرکت کننده بر اساس جنسیت، سن و سطح سواد والدین ارائه شده است.

جدول ۱- فراوانی و درصد متغیرهای جمعیت شناختی

متغیر	گروه	تعداد	درصد
جنسیت	دختر	۰	٪۰
	پسر	۱۷۵	٪۱۰۰
سن	۷ سال	۴۵	٪۲۵
	۸ سال	۵۵	٪۳۱
	۹ سال	۳۶	٪۲۰
	۹ به بالا	۳۹	٪۲۴
سطح سواد والدین	دیپلم و زیر دیپلم	۹۸	٪۵۶
	لیسانس	۵۱	٪۲۹
	بالتر از لیسانس	۲۶	٪۱۵

جدول شماره ۲ به محاسبه شاخص های توصیفی زیرمقیاس های اضطراب جدایی، حساسیت اضطرابی و سبک های دلبستگی شرکت کنندگان پرداخته است. همانگونه که مشاهده می شود در این جدول میانگین، انحراف استاندارد، حداقل و حداکثر نمرات در هر زیر مقیاس را به تفکیک نشان می دهد.

جدول ۲- آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش

متغیر	مقیاس	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر
سبک های دلبستگی	اجتنابی	۱۷/۳۴	۴/۵۶	۷	۳۳
	ایمن	۱۹/۰۹	۴/۶۲	۱۰	۳۵
	دوسوگرا	۱۶/۴۳	۳/۳۵	۷	۳۱
حساسیت اضطرابی والدین	ترس از نگرانی بدنی	۱۹/۶۵	۴/۶۸	۹	۲۹
	کنترل شناختی	۹/۴۴	۲/۶۸	۴	۱۵
	اضطراب دیگران	۸/۸۷	۲/۳۱	۵	۱۵
اضطراب جدایی کودکان		۵۵/۵۷	۷/۳۵	۳۹	۸۸

جدول شماره ۳ همبستگی متغیرهای پژوهش را بین سبک های دلبستگی و حساسیت اضطرابی والدین با اضطراب جدایی کودکان را نشان میدهد. همانگونه که مشاهده می شود بین ابعاد حساسیت اضطرابی والدین با اضطراب جدایی کودکان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به عبارتی با افزایش حساسیت اضطرابی والدین میزان اضطراب جدایی کودکان نیز بالا میرود. همچنین بین

سبک های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا با اضطراب جدایی والدین رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. اما بین سبک دلبستگی ایمن با اضطراب جدایی والدین رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

جدول ۳- ماتریس همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
اجتنابی							
ایمن						۱	
دوسوگرا					۱	-۰/۴۳۲**	
ترس از نگرانی بدنی				۱	۰/۲۸۹**	-۰/۲۵۸**	
کنترل شناختی			۱	۰/۵۶۴**	۰/۴۳۷**	-۰/۳۲۸**	
اضطراب دیگران		۱	۰/۱۷۸*	۰/۲۳۲**	۰/۲۴**	-۰/۲۰۰*	
اضطراب جدایی کودکان	۱	۰/۲۷۶**	۰/۱۸۶*	۰/۱۹۰*	۰/۲۳۵**	-۰/۶۶۴**	۰/۱۹۹*

P≤0.01 P≤0.05***

جهت پیش بینی اضطراب جدایی کودکان بر اساس حساسیت اضطرابی والدین از آزمون تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد که نتایج آن در جدول ۴ آمده است. در این جدول ابعاد متغیر حساسیت اضطرابی والدین به عنوان متغیر پیش بین و متغیر اضطراب جدایی کودکان به عنوان متغیر ملاک وارد مدل رگرسیون شدند. نتایج نشان می دهد که میزان R برابر ۰/۵۰۰ و میزان R² برابر ۰/۲۵۰ می باشد. به عبارتی حساسیت اضطرابی والدین در کل ۲۵ درصد از واریانس نمرات اضطراب جدایی کودکان را تبیین می کند. همچنین بعد ترس از نگرانی بدنی به صورت مثبت و معناداری قادر به پیش بینی اضطراب جدایی کودکان می باشد (β=۰/۳۲۱, p=۰/۰۰۱) و بعد کنترل شناختی به صورت مثبت و معناداری قادر به پیش بینی اضطراب جدایی کودکان می باشد (β=۰/۲۷۸, p=۰/۰۰۱) و بعد اضطراب دیگران به صورت مثبت و معناداری قادر به پیش بینی اضطراب جدایی کودکان می باشد (β=۰/۲۵۵, p=۰/۰۰۵).

جدول ۴- تحلیل رگرسیون چندگانه جهت پیش بینی اضطراب جدایی کودکان بر اساس حساسیت اضطرابی والدین

متغیر ملاک: اضطراب جدایی کودکان							
P	T	β	P	F	R ²	R	متغیر پیش بین
۰/۰۰۱	۳/۵۴۳	۰/۳۲۱	۰/۰۰۱	۳۱/۴۴۷	۰/۲۵۰	۰/۵۰۰	ترس از نگرانی بدنی
۰/۰۰۱	۲/۹۹۸	۰/۲۷۸					کنترل شناختی
۰/۰۰۵	۲/۶۵۴	۰/۲۵۵					اضطراب دیگران

جهت پیش بینی اضطراب جدایی کودکان بر اساس سبک های دلبستگی از آزمون تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد که نتایج آن در جدول ۵ آمده است. در این جدول ابعاد متغیر سبک های دلبستگی به عنوان متغیر پیش بین و متغیر اضطراب جدایی کودکان به عنوان متغیر ملاک وارد مدل رگرسیون شدند. نتایج نشان می دهد که میزان R برابر ۰/۵۲۳ و میزان R² برابر ۰/۲۷۳

می باشد. به عبارتی سبک های دلبستگی در کل ۲۷ درصد از واریانس نمرات اضطراب جدایی کودکان را تبیین می کند. همچنین بعد اجتنابی به صورت مثبت و معناداری قادر به پیش بینی اضطراب جدایی کودکان میباشد ($\beta=0/276, p=0/001$) و بعد دلبستگی ایمن به صورت منفی و معناداری قادر به پیش بینی اضطراب جدایی کودکان می باشد ($\beta=-0/342, p=0/001$) و بعد دوسوگرا به صورت مثبت و معناداری قادر به پیش بینی اضطراب جدایی کودکان می باشد ($\beta=0/199, p=0/021$).

جدول ۵- تحلیل رگرسیون چندگانه جهت پیش بینی اضطراب جدایی کودکان بر اساس سبک های دلبستگی

متغیر ملاک: اضطراب جدایی کودکان							
P	T	β	P	F	R^2	R	متغیر پیش بین
0/001	3/112	0/276	0/001	36/229	0/273	0/523	اجتنابی
0/001	3/668	-0/342					ایمن
0/021	2/113	0/199					دوسوگرا

۴- نتیجه گیری

همانگونه که نتایج نشان داد حساسیت اضطرابی والدین در کل ۲۵ درصد از واریانس نمرات اضطراب جدایی کودکان را تبیین می کند. همچنین بعد ترس از نگرانی بدنی به صورت مثبت و معناداری قادر به پیش بینی اضطراب جدایی کودکان میباشد و بعد کنترل شناختی به صورت مثبت و معناداری قادر به پیش بینی اضطراب جدایی کودکان می باشد و بعد اضطراب دیگران به صورت مثبت و معناداری قادر به پیش بینی اضطراب جدایی کودکان می باشد.

نتیجه این آزمون با نتایج تحقیقات علیلو و همکاران (۱۳۸۹)، بیرامی و همکاران (۱۳۹۱)، مشهدی و همکاران (۱۳۹۲)، سعادت خواه و همکاران (۱۳۹۴)، فردامینی سفلی و همکاران (۱۳۹۴) و گل محمدی و همکاران (۱۳۹۵) همسو می باشد. در مدل های شناختی - رفتاری اعتقاد بر این است که برانگیختگی (مانند تنگی نفس، تعریق) به علت ادراک منفی از خود، و انتظار شکست اجتماعی تداوم می یابد. بنابراین یک چرخه معیوب بین احساسات بدنی، ارزیابی ها و تفسیرهای منفی و اضطراب وجود دارد که به صورت مداوم و پایدار فرد را در حالت گوش به زنگی نسبت به نشانه های بدنی مرتبط با اضطراب قرار می دهد و به تشدید علائم اضطراب و عواقب مرتبط (مانند: اجتناب) کمک می کند. به عنوان مثال یک فرد، در یک برخورد اجتماعی، ممکن است بر این باور باشد که او عرق فراوانی می کند، و دیگران می توانند عرق او را ببینند، و فکر کنند که او از لحاظ اجتماعی فردی نالایق است. مطالعات نشان می دهد که، حساسیت اضطرابی والدین یکی از مؤلفه های روان شناختی دخیل در ایجاد اضطراب اجتماعی فرزندان می باشد. تحقیقات اخیر نشان داده که جوانان مبتلا به اضطراب اجتماعی به میزان بالایی، از حساسیت اضطرابی برخوردارند (اندرسون و هوپ، ۲۰۰۹). حساسیت اضطرابی با تفسیر انحرافی علائم اضطراب مرتبط است. و به حفظ چرخه اضطراب کمک می کند. این افراد، احساساتی مانند ضربان سریع قلب، عرق کردن و گیجی را به عنوان نشانه ای از حمله قلبی، شرمساری اجتماعی و بی ثباتی روانی تفسیر می کنند (فرجی و همکاران، ۱۳۸۹). آن ها تصور می کنند که سایرین متوجه این علائم خواهند شد و در مورد آن ها قضاوت نامناسبی خواهند کرد. از این رو اضطراب اجتماعی احتمالاً به دلیل، ترس از ارزیابی منفی در هنگام نمایش علائم قابل مشاهده اضطراب، با حساسیت اضطرابی رابطه دارد (گرانث و همکاران، ۲۰۰۷).

در تبیین نتایج فوق میتوان گفت والدین دارای حساسیت اضطرابی بالا نه تنها رویدادهای استرس زا، بلکه وقایع نسبتاً عادی را نیز فاجعه آمیز تلقی می کنند. در حالی که والدین دارای حساسیت اضطرابی پایین این رویدادها را نامطلوب تلقی کرده ولی در مورد

آن ها دست به فاجعه سازی نمی زند. والدین دارای حساسیت اضطرابی بالا، با گوش به زنگی و توجه زیاد به محرک های محیط (محیط درونی و بیرونی) واکنش نشان می دهند. نظریه پردازان شناختی عقیده دارند که داشتن آستانه پایین برای واکنش ترس در افراد دارای حساسیت اضطرابی بالا، ناسازگارانه می باشد؛ زیرا موجب تداوم سطح بالایی از برانگیختگی فیزیولوژیکی و در نهایت اجتناب مفرط از محرک ها و موقعیت های بیرونی خواهد شد. والدین مبتلا به حساسیت اضطرابی وقتی که در معرض موقعیت های اجتماعی قرار می گیرند برانگیختگی فیزیولوژیکی شان افزایش میشوند. در این افراد رویارو شدن با محرک های ترسناک و هراس آور، یک واکنش اضطرابی از قبیل احساس وحشت، تنفس منقطع و کوتاه و تپش قلب را در پی دارد. که این افراد آن ها را به عنوان نشانه ای از خطر یا اضطراب تفسیر می کنند و چنین تفسیری از برانگیختگی فیزیولوژیکی، به افزایش علائم اضطراب، مانند تپش قلب بیشتر یا سرخ شدن منجر می شود و در نتیجه برانگیختگی فیزیولوژیکی ممکن است نقش مهمی را در ایجاد ترس در موقعیت های اجتماعی بازی کند و ترس از این که دیگران علایم اضطراب را مشاهده کنند باعث تشدید اضطراب اجتماعی می شود. مبتلایان به اضطراب اجتماعی ممکن است به دلیل نگرانی در مورد این که دیگران متوجه لرزش دست ها یا صدایشان خواهند شد از صحبت در جمع بترسند یا ممکن است در زمان گفتگو با دیگران به دلیل ترس از آشکار شدن توانایی بیانی ضعیف شان اضطراب شدیدی احساس کنند. احتمال دارد از غذا خوردن، نوشیدن، یا نوشتن در جمع به دلیل ترس از تحقیر شدن به دلیل مشاهده ی لرزش دستهایشان از جانب دیگران اجتناب کنند. در کل اضطراب بالای والدین در نهایت منجر به اضطراب اجتماعی کودکان می شود، کودک با چنین والدینی معمولاً در یک جو پر استرس رشد می یابد که در آینده موقعیت های اجتماعی آنها را تحت تاثیر خود قرار می دهد.

همچنین نتایج نشان داد که سبک های دلبستگی در کل ۲۷ درصد از واریانس نمرات اضطراب جدایی کودکان را تبیین می کند. همچنین بعد اجتنابی به صورت مثبت و معناداری قادر به پیش بینی اضطراب جدایی کودکان میباشد و بعد دلبستگی ایمن به صورت منفی و معناداری قادر به پیش بینی اضطراب جدایی کودکان می باشد و بعد دوسوگرا به صورت مثبت و معناداری قادر به پیش بینی اضطراب جدایی کودکان می باشد. در تبیین ارتباط سبک دلبستگی ایمن با اضطراب دایی کودکان باید گفت که افراد دارای این سبک ارتباطشان بر اساس اعتماد، صمیمیت، گرمی، گویایی و تعادل توصیف می شود. افراد دارای سبک دلبستگی ایمن از سطح بالایی از عزت نفس برخوردار هستند. افراد دارای دلبستگی ایمن، در موقع تکیه کردن به دیگران و همچنین وابستگی دیگران به او احساس راحتی دارند. کولین و رد (۱۹۹۴) مشاهده کردند زمانی که افراد ایمن در موقعیت های استرس آور قرار می گیرند، از مکانیسم های مقابله ای رشد یافته استفاده می کنند و در ارتباط با استرس به طور کارآمد برخورد می کنند. عاقلانه رفتار کرده و هیجان پذیری محدود نشان می دهد و در عوض بر کارها و فعالیت های خود تمرکز می کند. افراد دارای دلبستگی ایمن دارای خصوصیات هستند که به خاطر داشتن آنها از رشد اجتماعی بالاتری هستند. این افراد ارتباطشان بر اساس عزت نفس شکل می گیرد. چرا که در طول کودکی و شکل گیری شخصیتشان همیشه به آنها اعتماد لازم را جهت مقابله با مشکلات و فشارهای روانی داده شده و یا تلقین شده است. و افرادی که دارای حرمت نفس و عزت نفس بالایی داشته باشند بدون شک رشد بالایی در زمینه اجتماعی دارند. کولین و رد (۱۹۹۴) مشاهده کردند زمانی که افراد ایمن در موقعیت های استرس آور قرار می گیرند، از مکانیسم های مقابله ای رشد یافته استفاده می کنند و در ارتباط با استرس به طور کارآمد برخورد می کنند. به نظر کولین و رد (۱۹۹۴) افراد ایمن به دنبال تعامل بین صمیمیت و استقلال هستند ولی افراد اجتنابی به دنبال استقلال خیلی زیاد و ترس از روابط نزدیک با دیگران هستند، نقشه رفتاری افراد ایمن بر ملاحظات شناختی و هیجانی مبتنی است. این خصوصیات در زمینه اجتماعی هم موثر واقع میشود و در نتیجه باعث افزایش رشد اجتماعی می شود.

در تبیین ارتباط سبک دلبستگی دوسوگرا با اضطراب جدایی باید گفت که افراد دارای این سبک نگرش منفی نسبت به خود و نگرش مثبت به دیگران به عنوان ویژگی اصلی افراد دارای سبک دلبستگی دوسوگرا است. توجه طلبی از ویژگی های افراد دوسوگرا

است- ارزشیابی منفی از خود- اشتغال ذهنی مداوم نسبت به روابط با دیگران، افراد با دلبستگی مضطربانه نیاز شدید به حمایت و مهر و محبت نزدیکان خویش دارد. تهدیدها و صدمات به خود را فاجعه آمیز و مصیبت بار دانسته و در مورد آنها اغراق می کند. مترصد و گوش به زنگ بوده و به سادگی رفتارهای دیگران را به عنوان تهدید تفسیر و تعبیر می کند (جانسون، ۲۰۰۵؛ به نقل از فرهنگدپور، ۱۳۸۹). این افراد تمایل به تجربه حسادت نسبت به دیگران دارند. از عزت نفس بی ثباتی برخوردار هستند. افراد دوسوگرا در جستجوی صمیمیت هستند ولی از طرد شدن هراس دارند و افراد آشفته در مورد رابطه شان نگران هستند. افراد اضطرابی رفتارهایشان بیشتر بر روی هیجانات است تا شناخت. افراد دارای این سبک معمولاً در هر زمینه ای به خصوص اجتماعی اغلب از جانب دوستان و اطرافیان خود احساس نگرانی می کنند. از اینکه تحقیر بشوند یا تنبیه بشوند. افراد دارای این سبک معمولاً دارای خودمختاری و استقلال پایین هستند که زمینه را برای شکست در اجتماع فراهم می کند.

شرکت در کلاس های آموزش سبک های فرزندپروری میتواند برای والدین تاثیر گذار باشد تا از این طریق باعث کاهش اضطراب جدایی فرزندان بشود. این پژوهش کاربردهای زیادی برای دانش آموزان و والدینشان دارد. چرا که پیگیری نتایج این پژوهش می تواند باعث بهبود عملکرد ارتباطی فرزندان و والدین شود. همچنین توصیه می شود همایش ها و سمینارهایی در رابطه با روش های صحیح و نادرست ارتباط با فرزند برای والدین برگزار شود تا ضمن آشنایی با ارتباط درست قدمی در جهت اصلاح سبک زندگی خود بردارند. همچنین مشاوران و مداخله گران و درمانگران روانشناسی با استفاده از نتایج این تحقیق میتوانند روند مراجعین را در زمینه فرزندپروری بهتر رهنمود و هدایت کنند.

منابع و مراجع:

احدی، حسن، محسنی، نیک چهره. (۱۳۷۱). **مفاهیم بنیادی روانشناسی نوجوانی و جوانی**. تهران: انتشارات بنیاد تهران. بیرامی، منصور، اکبری، ابراهیم، قاسمپور، عبدالله، و عظیمی، زینب. (۱۳۹۱). بررسی حساسیت اضطرابی و فرانگرانی و مؤلفه های تنظیم هیجانی در دانشجویان با نشانگان بالینی اضطراب اجتماعی و بهنجار. **فصلنامه مطالعات روانشناسی بالینی**، سال ۲(۸): ۲۳-۳۵.

تازیک، فاطمه. (۱۴۰۱). **اثربخشی درمان تعامل والد-کودک بر کاهش نشانه های مدرسه هراسی در کودکان**. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته **روانشناسی بالینی کودک و نوجوان**، دانشگاه پیام نور، واحد بوشهر.

حکیمی نصر آبادی، سمانه سادات (۱۳۹۱). **رابطه سبک های فرزندپروری والدین و اعتیاد به اینترنت با اختلالات یادگیری در دانش آموزان**. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه سمنان. زینالی، شیرین، پورشریفی، حمید، باباپور، جلیل، محمودعلیلو، مجید، و خانجانی، زینب. (۱۳۹۹). رابطه سوگیری شناختی، حساسیت اضطرابی و باورهای مادر با اضطراب کودک: نقش واسطه ای راهبردهای کنارآمدن. سلامت روان کودک (روان کودک)، ۷(۳)، ۵۳-۶۶.

سعادت خواه، منوچهر، جعفری بنفشه درق، علی، محمدی، محرم. (۱۳۹۴). **مقایسه حساسیت اضطرابی در بیماران مبتلا به اختلال اضطراب فراگیر و اختلال اضطراب اجتماعی**. همایش ملی علمی پژوهشی روانشناسی، علوم تربیتی و آسیب شناسی جامعه.

عطادخت اکبر، دانشور سمیه، فتحی گیلارلو مهناز، سلیمانی اسماعیل. پروفایل آشفتنگی روانشناختی مادران و افسردگی، اضطراب و استرس نوجوانان شهر اردبیل در سال ۱۳۹۳. **مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان**. ۱۴ (۷): ۵۴۹-۵۶۰.

فردامینی سفلی، حامد، کارسازی، حسین، امامی عزت، آمنه، بخشی پور رودسری، عباس. (۱۳۹۴). روابط ساختاری حساسیت اضطرابی، نگرانی و دشواری در تنظیم هیجان با اختلال اضطراب فراگیر، اختلال اضطراب اجتماعی و اختلال پانیک. *اندیشه و رفتار*، دوره نهم، شماره ۳۶.

فرهمندپور، الهه. (۱۳۸۹). مقایسه سبک دلبستگی و عزت نفس دانش آموزان راهنمایی آزار دیده و آزار نندیده در شهر شیراز. *پایان نامه کارشناسی ارشد، شورای تحقیقات آموزشی استان فارس*.

کریمی، افسانه؛ بحرینیان، سید عبدالمجید؛ غباری بناب، باقر (۱۳۹۱). بررسی اثربخشی مراقبه متعالی (مدیتیشن) بر کاهش افسردگی و اضطراب زنان دانشجو، *مطالعات روان شناسی بالینی*، دوره ۳، شماره ۹، ص ۱۰۳-۱۱۸
کمپل، هالند. (۱۳۹۸). *درمان مشکلات عاطفی و رفتاری کودکان*. ترجمه سیداحمد جلالی. (۱۳۹۸). چاپ اول. تهران: انتشارات پادرا.

گل محمدی، کریم، صادقی، حنا، شمس الدینی، حسن، ظهرا، شیماء، هاشمی نژاد، فاطمه سادات. (۱۳۹۵). بررسی همزمان نقش حساسیت اضطرابی و تنظیم هیجانی در پیش بینی اختلال اضطراب اجتماعی. *فصلنامه نسیم تندرستی*، دانشکده علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری، دوره ۸، شماره ۱، ص ۴۰ تا ۴۶.
گل محمدی، کریم، ممنشلو، سمیه، توانا، زهرا. (۱۳۹۵). نقش باورهای فراشناختی و حساسیت اضطرابی در پیش بینی اضطراب اجتماعی. *مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران*، دوره ۲۶، شماره ۱۳۶.
گلی نژاد، محمد. (۱۳۸۰). "بررسی رابطه بین سبک های دلبستگی و سخت رویی با آمادگی به اعتیاد". *علم روانشناسی*، ص ۵۹-۶۷.

مشهدی، علی، قاسم پور، عبدالله، اکبری، ابراهیم، ایل بیگی، رضا، حسن زاده، شهناز. (۱۳۹۲). نقش حساسیت اضطرابی و تنظیم هیجانی در پیش بینی اختلال اضطراب اجتماعی دانشجویان. *دانش و پژوهش در روان شناسی کاربردی* سال چهاردهم، شماره ۲، صص: ۸۹-۹۹.

هدایتی، بیبا و ابراهیمی مقدم، حسین، ۱۳۹۴، رابطه اضطراب مادران با افسردگی و اضطراب دانش آموزان دبیرستانی دختر، اولین کنفرانس بین المللی روانشناسی و علوم تربیتی، شیراز،

Aldao A, Nolen-Hoeksema S, Schweizer S. Emotion-regulation strategies across psychopathology: A meta-analytic review. *Clinical Psychology Review*. 2010; 30: 217-237.

American Psychiatric Association. (2013). *Diagnostic and Statistical manual of mental disorders* (5th Ed.). Arlington, VA: Author.

Beckman, P. J. (2018). Comparison of mothers and fathers perceptions of the effect of young children with and without disabilities. *American Journal on Mental Retardation*, 95(3), 585-595.

Bowlby J. (1982). *Attachment and loss*. New York: Basic books; 23-5.

Bowlby, J. (1969). *A secure base: Clinical applications of attachment theory*. London: Routledge

Collins, W. A. (1997). Relationships and development during adolescence: Interpersonal adaptation to individual change. *Personal Relationships*, 4, 1-14.

Deacon, B., & Abramowitz, G. (2006). Anxiety sensitivity and its dimensions across the anxiety Disorder. *Anxiety Disorders*. 20, 837-857

Deacon Brett, J., Jonathan S., Carol M., & David, F. (2003). The Anxiety Sensitivity Index - Revised: psychometric properties and factor structure in two nonclinical samples. *Behavior Research and Therapy*. 41, 1427-1449

- Lohman BJ, Jarvis PA.(1997). "A longitudinal study of congruence in family dyads regarding stressors and coping". *Predictors of family environment and coping. Proceeding of the 7th Biennial Meeting of the Society for Research on Child Development*; Apr, Washington DC, USA, 1997.
- Mccabe, R.E. (1999). Implicit and explicit memory for threat words in high-and low anxiety-sensitive participants. *Cognitive Therapy and Research*. 23(1), 21-38.
- Ruffault,A., Bernier, M., Thiénot, E., Fournier, J., Flahault , C. (2017). Exploring the links between mindfulness skills, physical activity, signs of anxiety, and signs of depression among non-clinical participants, *Journal de Thérapie Comportementale et Cognitive*, Volume 27, Issue 1, March 2017, Pages 16-24

Abstract

The current research was conducted with the aim of separation anxiety in children based on attachment styles and anxiety sensitivity of parents. The research design was correlational. The statistical population of the research was all male elementary school students in Mashhad who were studying in schools of the 6th district in the academic year of 1402. The number of sample people was determined based on the number of components under study, considering that the number of components is 7 and 25 people were selected for each component, and 175 primary school students were selected by available sampling method. Thus, out of all the districts, the 6th district was randomly selected and 4 schools were selected from the 6th district and then the tests were conducted. The measurement tools of the research included Hazen and Shiver's (1987) attachment style questionnaire, parental anxiety sensitivity (ASI) and Bemaher's (1999) separation anxiety questionnaire. Data analysis was done using Pearson's correlation test and regression simultaneously. The results showed that parents' anxiety sensitivity explains 25% of the variance of children's separation anxiety scores. Also, the dimension of fear of physical worry can positively and significantly predict children's separation anxiety, and the dimension of cognitive control can positively and meaningfully predict children's separation anxiety, and the dimension of others' anxiety can positively and meaningfully predict Children's separation anxiety. Also, attachment styles explain a total of 27% of the variance of children's separation anxiety scores. The avoidant dimension can positively and significantly predict children's separation anxiety, and the secure attachment dimension can predict children's separation anxiety negatively and significantly, and the ambivalent dimension can positively and significantly predict children's separation anxiety.

Keywords: separation anxiety, attachment styles, anxiety sensitivity



دانشگاه هرات
Herat University

دهمین همایش ملی



مؤسسه تخصصی روانشناسی و روانپزشکی
آزمایش نگار
شماره ملی: ۳۴۱۵۱۶۳۳۰

تازه های روانشناسی مثبت



Sponsored and Indexed by
CIVILICA
We Respect the Science